

بسمه تعالی

شماره ی-ن-۴۵۰

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۷

حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام و ارادت

همچنان که مستحضرید بعد از ظهر روز یکشنبه ۸۲/۷/۶ روزنامه یاس نو به دلیل عدم اجرای ماده ۲۳ قانون مطبوعات توسط دادسرای تهران به مدت ۱۰ روز توقیف شد. گزارش مشروح مکاتبات انجام شده از ۸۲/۷/۱ تا روز توقیف جهت استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد.

آنچه در طی مدت ۸ ماه انتشار روزنامه بر بنده گذشت حکایتی است که در وقت خود بازگو خواهد شد اما بنده با صبوری، چشم‌پوشی از حق قانونی و متانت این مدت را گذراندم و در مقابل هرگونه اجحاف و تحمیل سکوت پیشه کردم و برای این که فضای رابطه بین روزنامه و مقامات قضایی تیره نشود از مصاحبه کردن با خبرگزاری‌ها و مطبوعات جداً خودداری کردم. حتی در مواقعی که به دادسرا و یا دادگاه شعبه ۱۴۱۰ (سابق) احضار شدم (که حرف‌های زیادی برای گفتن دارد). اما مع‌الاسف آخرین درخواست دادسرا و اجبار آن‌ها برای چاپ مجدد مطلبی با حجم ۱۲۳ صفحه عادی و ۷/۵ صفحه کامل روزنامه (که روز شنبه ۸۲/۷/۵ چاپ شده بود)، نه قانونی و نه منطقی بود. با این وجود برای چاپ آن استنکاف نکردم اما حداقل انتظار این بود که برای رفع هرگونه بهانه برای طرفین، دادسرای محترم مشخص می‌کرد که ما به ازاء کدام مطلب و یا کدام شکل و شمایل دقیق مورد نظر آن‌ها، باید مطلب چاپ شود و نه این که از سر قدرت‌نمایی حکم توقیفی داده شود که همواره صدور آن در اختیار آقایان است حتی با تمسک به مواد قانون اقدامات تأمینی که خلاف مسلم است اما آقایان بارها از آن استفاده کرده‌اند. علی‌ای حال استدعا دارم دستور فرمایید مبادی ذیربط به این موضوع رسیدگی کنند و

نسبت به تضییع حق مطبوعات کشور مخصوصاً روزنامه یاس نو واکنش درخور صورت گیرد. قبلاً از مراحم حضرت عالی کمال تشکر را دارم.

محمد نعیمی پور

مدیر مسئول روزنامه یاس نو

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۴۴۱

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۴

جناب آقای مهندس خاتمی
رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۳۸۰۸۳ مورخ ۸۲/۷/۹ حاوی پی‌نوشت ریاست محترم جمهوری در مورد نامه مدیر مسئول روزنامه یاس نو که رونوشت آن برای هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز ارسال شده به استحضار می‌رساند موضوع در جلسه هیأت مطرح شد و چون مسأله در جلسه مورخ ۸۲/۷/۷ هیأت نظارت بر مطبوعات نیز با حضور آقای وزیر محترم ارشاد مورد بحث قرار گرفت و با مذاکراتی که به عمل آمد و تفاهمی که با دادرای تهران صورت گرفت از روزنامه رفع توقیف به عمل آمد و هم‌اکنون منتشر می‌شود اعضاء هیأت فعلاً معتقد به بررسی و اظهارنظر در این خصوص نبودند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

در مورد ممیزی کتاب

بسمه تعالی

شماره ۳۸۰۵۷

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۲

جناب آقای مسجدجامعی

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

جناب آقای دکتر مهرپور

ریس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

مطلب مندرج در روزنامه شرق مورخ ۸۲/۷/۷ در خصوص نامه اتحادیه ناشران و کتابفروشان پیرامون لغو سانسور کتاب (تصویر پیوست) به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید؛ پی نوشت فرمودند:

«با تشکر از عزیزان

مطلب درخور توجهی است. در کمیسیون فرهنگ و ارشاد مجلس هم بحث‌های خوبی شده است که حتماً باید پیگیری شود. به هر حال اولاً: جناب آقای وزیر ارشاد جداً و سریعاً بررسی، پیگیری و نتیجه را اعلام کنند. ثانیاً: هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی هم در این باره بررسی نماید.»

سیدعلی خاتمی

به نام خدا

شماره ۱۶۰۸

تاریخ ۱۳۸۱/۷/۲۴ حضور حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و احترام.

فرمایشات شما در هفته دولت، در مصاحبه مطبوعاتی که داشته‌اید، و تأکید مجددی که بر قانون و قانون‌گرایی نموده‌اید انگیزه‌ای شد تا ما نکاتی چند را در مورد نقض یکی از مهم‌ترین اصول قانون اساسی، یعنی اصل ۲۴، جهت پی‌گیری به اطلاع حضرت عالی برسانیم.

۱- ممیزی کتاب در شرایط خاص مملکت در دهه شصت و در زمانی اعمال می‌شد که عناوین کتاب‌های منتشره در سال دو یا سه و حداکثر پنج‌هزار بوده است. در حالی که در سال گذشته در کشور ما بیش از سی‌هزار عنوان کتاب منتشر شده است که به اعتقاد ما ممیزی این حجم کتاب‌های منتشره در عین حال که غیرقانونی است غیرعملی و ناممکن هم می‌باشد.

۲- در همه جای دنیا اصل بر مصونیت است نه بر محدودیت. این رفتار با کتاب در عمل محدود کردن آن و زایل نمودن اعتماد مردم به محتوای کتاب‌هایی است که در کشور ما منتشر می‌شود و کارآگاهان اعمال سانسور را یکی از مهم‌ترین دلایل کمی اقبال مردم به کتاب و عقیم ماندن تلاش‌هایی می‌دانند که طی دو دهه اخیر - از جمله ایام ریاست جمهوری شما - جهت گسترش کتاب و کتابخوانی به عمل آمده است. جناب عالی بهتر از هر کسی به تبعات منفی فرهنگی و اجتماعی پایین بودن سرانه مطالعه در کشور واقفید.

۳- در این سال‌ها با تحولاتی که در رسانه‌های فرهنگی مختلف در جهان به وقوع پیوسته است درصد بالایی از مردم در اکثر جوامع - از جمله کشور ما - امکان دسترسی آسان و آزادانه به انواع مختلف تولیدات ادبی و خبری را دارند. بنابراین سانسور کتاب

جز عقب نگهداشتن یکی از مؤثرترین ابزار تولید و انتقال فرهنگ در کشور ما و ناکارآمد کردن آن نتیجه دیگری نمی‌تواند داشته باشد آن هم در شرایطی که دیگر رسانه‌ها به سرعت در حال گسترش و همه‌شمول شدن می‌باشند.

۴- امروزه در جهان به جز چند کشور - از جمله عراق - کشوری وجود ندارد که فعالیت ناشران و انتشار کتاب در آن‌ها نیازی به داشتن مجوز داشته باشد و توقع ما ناشران و کتاب‌فروشان از دولت شما کاستن از محدودیت‌ها و حرکت به سمت و سوی گشایش بیشتر در تولید فرهنگی بوده است که متأسفانه در چند ماهه اخیر به دلیل تضییقاتی که از سوی برخی نهادها برای کتاب پیش آمده بر میزان این محدودیت‌ها افزوده شده است.

۵- آن‌چه که هم‌اکنون با نام مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورخ ۶ و ۱۳ و ۱۳۶۷/۲/۲۰ مبنای عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و به اعتقاد ما ناقض اصل ۲۴ قانون اساسی می‌باشد اشکالات زیر را داراست. اولاً: در بخش کتاب‌های عمومی، بر خلاف کتاب‌های کودک و نوجوان، هیچ اشاره‌ای به نظارت قبل از چاپ و نشر این کتاب‌ها نشده است. ثانیاً:

«ملاک منع در حکم به اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی اخلال
در کتاب مضله»

را تأثیر و فعلیت این کتاب‌ها دانسته است که برداشت اکثر همکاران ما این است که تنظیم‌کنندگان این مصوبه آگاهانه در بخش کودک و نوجوان انتشار این کتاب را موکول به بررسی پیش از چاپ و در بخش کتاب‌های عمومی قضاوت را به پس از چاپ و انتشار کتاب و آن هم به مردم ارجاع نمودند. ثالثاً: چون این مصوبه، قانون و تصویب شده در مجلس شورای اسلامی نیست، بنابراین هیچ وزیری را به دلیل معطل ماندن یا نقض آن نمی‌توان در مجلس استیضاح کرد و به طریق اولی اثری از آن در کتاب‌های قانون که مرجع صدور حکم قضاوت می‌باشد نیست؛ نتیجه آن که ناشرانی که سر و کار آنان با قوه قضاییه بیفتد در عمل رها شده و بی‌پناذ خواهند ماند. رابعاً: در این مصوبه مرجع تشخیص دهنده تخلف پیش‌بینی نشده است که شاید به دلیل وجود این نقص بزرگ باشد

که در حال حاضر چندین ارگان موازی هم بر خلاف اصل ۶ این مصوبه که مسئول اجرای سیاست‌ها و ضوابط آن را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دانسته است به خود اجازه می‌دهند تا در مقام کشف جرم ناشران برآیند!! که من باب نمونه غیر از خود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌توان از قوه قضاییه، سازمان بازرسی کل کشور، اداره اماکن و اخیراً - حتی - نیروی انتظامی نام برد.

جناب آقای رییس‌جمهور، از شما می‌خواهیم قضاوت کنید در شرایطی که ناشران حداقل امنیت شغلی را هم ندارند، چگونه می‌توان به ادامه کار خطیر فرهنگی و انتشار کتاب که ضرورت دارد گاه با برنامه‌ریزی‌های چندین ساله همراه باشد ادامه داد؟ ناشری که هر روز انتظار دارد توسط ارگانی احضار شود آیا می‌تواند تدارک برنامه‌ریزی دراز مدت را ببیند؟

ما توجه حضرت‌عالی را به مطالب فوق و نقض مستمر اصل ۲۴ قانون اساسی و اثرات سوپی که در گسترش فرهنگ کشور دارد و تأثیرات سوپی که بر اذهان جهانیان می‌گذارد جلب کرده و خواهان صدور دستور پیگیری جهت رفع هر گونه سانسور کتاب و بازگشت به قانون می‌باشیم. خواسته ما اجرای قانون است. با آرزوی سلامتی و موفقیت برای جناب‌عالی.

داود رمضان شیرازی

رییس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان

رونوشت:

- جناب آقای حسین مهرپور، ریاست محترم هیأت پیگیری قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۴۶۵

تاریخ ۱۳۸۲/۸/۳

جناب آقای مهندس خاتمی
رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۳۸۰۵۷ مورخ ۸۲/۷/۱۲ به پیوست نظر کمیسیون حقوقی این هیأت و تصویر پیگیری‌هایی که از وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص چگونگی اعمال ممیزی در مورد کتاب شده است جهت استحضار ارسال می‌گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

صورت جلسه کمیسیون حقوقی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی
«مورخ بیست و چهارم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و یک»

موضوع بحث: نامه اتحادیه ناشران و کتاب فروشان در رابطه با اصل بیست و چهارم
قانون اساسی.

در تاریخ فوق الذکر کمیسیون حقوقی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی
با حضور کلیه اعضا تشکیل گردید.

نامه مذکور که طی شماره ۱۶۰۸ - ۸۱/۷/۲۴ به عنوان ریاست محترم جمهوری
ارسال و رونوشت آن به عنوان ریاست محترم هیأت فرستاده شده و نهایتاً در تاریخ
۸۱/۸/۳ جهت بررسی به این کمیسیون ارجاع گردیده است مورد بحث و بررسی قرار
گرفت. بدو اصل مذکور و مقرراتی که در این خصوص در نامه مذکور به آن اشاره شده
ذیلاً منعکس و سپس به اظهار نظر مبادرت می شود:

۱- اصل بیست و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با نشریات و
مطبوعات صریحاً مقرر می دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که
مخل به مبانی اسلامی یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند.»

۲- بند ۱ ماده ۳ مصوبه جلسات ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹ - مورخ ۶، ۱۳ و ۱۳۶۷/۲/۲۰
«شورای عالی انقلاب فرهنگی» با استناد به اصل ۲۴ قانون مذکور مقرر می دارد: «کتب و
نشریات طبق اصل ۲۴ قانون اساسی در بیان مطالب آزادند»

۳- بند ۳ ماده مذکور اضافه می نماید: «... هیچ مقام رسمی و غیررسمی نمی تواند با
اعمال فشار انتشار یا عدم انتشار کتب و نشریات مجاز را باعث شود.»

۴- در بند ۴ ماده ۳ مزبور مبانی آزادی نشر مطبوعات و فوائد آن بیان شده و مقرر
می دارد: «تلاش در جهت انتشار کتب مفید برای نشر اندیشه ها و تعاطی افکار و رشد
فکری در جامعه و مقابله فکر با فکر و تقویت روح نقادی و برخورد آزادانه و منطقی آراء
و نظریات... آزادی استماع اقوال و اتباع احسن و مآلاً کشف نظر صحیح، حق طبیعی هر

فرد از افراد ملت است.»

۵- در بند ۵ ماده ۳ مذکور تحت عنوان: «سیاست‌های ایجابی و اثباتی» نیز در این خصوص مقرر می‌دارد: «... تدوین و اجرای سیاست‌های هدایتی و حمایتی نظام جمهوری اسلامی ایران در خصوص کتاب و نشریات باید به نحوی باشد که اهل قلم را به تألیف و انتشار کتاب‌های متناسب با نیازهای جامعه امروز در جهت اهداف و اصول ذیل تشویق و ترغیب نماید.»

۶- اهداف اصول اشاره شده در بند ۵ مارالذکر هم در بندهای ذیل آن ذکر شده که اجمالاً عبارت از: «تقویت و رواج امر پژوهش به عنوان یکی از مهم‌ترین طرق تحقق استقلال فرهنگی، دفاع منطقی و محققانه از استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، تجدید حیات و مجد و جلال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اسلام از طریق انتشار کتاب‌های مناسب، کوشش در راه حفظ میراث زبان و ادب فارسی...»

۷- در بند «ب» ذیل ماده ۳ مذکور تحت عنوان «حدود قانونی» کتبی را که شایسته نشر نبوده احصاء نموده و در عین حال در تبصره ۲ آن مواردی را که از شمول بندهای مذکور تحت عنوان «حدود قانونی» خارج می‌باشد بیان نموده، از جمله در بند ج مقرر داشته است که: «طرح اشکالات و انتقادات و بیان نارسایی‌ها در جمهوری اسلامی جهت ریشه‌یابی و شناخت دقیق‌تر مسایل و دست‌یابی به راه‌حل‌های مناسب و سازنده با بیان استدلالی و اصلاح‌طلبانه بدون توهین و افترا.»

۸- در تبصره ۳ ذیل عنوان «حدود قانونی» نیز اضافه می‌نماید: «انتشار کتب موضوع ماده ۳ و کتب دیگر، در صورتی که آثار منفی ناشی از مطالب مندرج در آن‌ها با افزودن مقدمه و توضیحات محققانه و مناسب بر طرف شده باشد، بلامانع خواهد بود.»

نظریه کمیسیون:

الف- از اصل بیست و چهارم قانون اساسی چنین استنباط می‌شود که مبنای فکری نویسندگان این قانون و واضعین آن، اصل آزادی نشریات و مطبوعات بوده و ایجاد تضییقات و محدود نمودن آزادی مذکور، استثناء بر اصل می‌باشد و منحصرأ در

صورتی جایز است که اولاً: نشریات و مطبوعات «مخل به مبانی اسلام» یا «حقوق عمومی» باشد آن هم با این قید که تفصیل آن توسط قوانین عادی معین گردد. ثانیاً: اخلال وفق مقررات قوانین موضوعه محقق و محرز باشد.

ب- در مورد مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی طی جلسات ۱۴۷، ۱۴۸ و ۱۴۹ قطع نظر از اظهار نظر کمیسیون حقوقی در جلسات مورخ ۷۷/۶/۱ و ۷۷/۶/۸ در خصوص این گونه مصوبات و صحت سلب عنوان «قانون» از آنها طبق اصول پنجاه و هشتم، هفتاد و یکم و هفتاد و پنجم قانون اساسی، مصوبات مذکور نیز دلالت صریحی به تجویز ممیزی قبل از انشار و ایجاد محدودیت نسبت به نشریات و مطبوعات ندارد، بلکه طبق تبصره ۲ ذیل ماده ۵ مصوبات مذکور منحصراً در خصوص کتب کودکان و نوجوانان به لحاظ اهمیت موضوع، نظارت قبل از چاپ و نشر این گونه کتب توسط هیأت نظارت موضوع ماده ۵ ضروری اعلام گردیده است. بنابراین با توجه به این که:

۱- مبنای فکری شورای نامبرده با عنایت به بند الف ماده ۳ تحت عنوان «سیاست‌های ایجابی و اثباتی» در خصوص کتب و نشریات، اجباراً همان مقررات اصل بیست و چهارم قانون اساسی یعنی «آزادی کتب و نشریات در بیان مطالب» بوده.

۲- در بند ۲ ماده مذکور دولت و همه ارکان حکومت را موظف به حمایت از حریم آزادی کتب و نشریات بر اساس قانون اعلام نموده.

۳- در بند ۳ همین ماده تلاش برای افزایش آگاهی‌های دینی علمی، سیاسی، اقتصادی، هنری، تاریخی، اجتماعی و نظایر آن را در سطح عموم و انتشار کتاب و نشریه را به این منظور از حقوق افراد ملت اعلام نموده است.

۴- در ذیل همین بند مقرر داشته است که: «هیچ مقام رسمی و غیررسمی نمی‌تواند با اعمال فشار انتشار یا عدم انتشار کتب و نشریات مجاز را باعث شود.»

۵- شورای مزبور متعاقب ذکر مصادیق اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی تحت عنوان «حدود قانونی» به شرح مندرج در بندهای «الف» الی «ز» در تبصره - ۱- ذیل این عنوان مقرر داشته است که: «ملاک منع در حکم به اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی، اضلال در مورد کتب مضلّه تأثیر و فعلیت است.» چنین استنباط می‌شود که:

اولاً: مصوبات موضوع بحث هیچ‌گونه دلالتی بر ضرورت اعمال ممیزی و نظارت نسبت به نشریات و کتب، قبل از چاپ نداشته (به استثنای کتب کودکان و نوجوانان)

ثانیاً: ملاک در «اخلال به مبانی اسلامی و حقوق عمومی» که موجب جلوگیری از انتشار کتب مضلّه می‌گردد «تأثیر و فعلیت آن» می‌باشد.

ثالثاً: طبق ماده ۴ مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، موضوع بحث، نظارت بر امر طبع و نشر کتاب و اجرای صحیح اصل ۲۴ قانون اساسی منحصرأً به عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده و مرجع صالح جهت رسیدگی و تشخیص در این خصوص نیز هیأت‌های موضوع ماده ۴ و ۵ مصوبات مذکور می‌باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد که با توجه به شکواییه اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان طی شماره ۱۶۰۸-۲۴/۷/۸۱، ریاست محترم جمهوری می‌توانند در جهت اجرای صحیح اصل بیست و چهارم قانون اساسی و صیانت آن، در خصوص برطرف نمودن محدودیت‌های مذکور در شکواییه نسبت به کتب و نشریات قبل از انتشار آن هم توسط ارگان‌های دیگر، اقدام و دستور مقتضی صادر فرمایند.

در مورد توقیف موقت مطبوعات

بسمه تعالی

شماره ۸۳-۴۱۴۷

تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۸

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۲۳۴۲۰ مورخ ۸۳/۵/۶ در خصوص بررسی توقیف برخی از مطبوعات و درخواستی که از ریاست محترم جمهوری مطرح شده موضوع در جلسه هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که بررسی و نظر هیأت به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- طبق آخرین آمار و گزارش که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت شده در حال حاضر حدود ۵۰ نشریه اعم از روزنامه، هفته نامه و ماهنامه توقیف موقت شده و تاکنون رسیدگی و تصمیم نهایی در مورد آنها صورت نگرفته است، از زمان توقیف برخی از این نشریات بیش از ۵ سال می‌گذرد، تعداد اندکی از این نشریات از سوی هیأت نظارت بر مطبوعات با توجه به اختیار حاصله از تبصره الحاقی به ماده ۱۲ قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۷۹ توقیف و ظرف یک هفته جهت تعیین تکلیف به دادگستری ارسال شده، که هنوز تعیین تکلیف نگردیده و بقیه از سوی دادگستری یا دادگاه انقلاب به دستور قاضی دادگاه و اخیراً به دستور بازپرس توقیف شده‌اند.

۲- در قانون مطبوعات موارد محدود و مراجع محدود برای صدور دستور توقیف موقت مطبوعات مجاز شناخته شده و به نظر می‌رسد قانون‌گذار توقیف نامعین نشریات را مجاز ندانسته است:

الف - طبق تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۷۹، در صورتی که نشریه از درج پاسخ شاکی امتناع ورزد یا شکایت شاکی، رییس دادگستری (در قانون

سال ۱۳۶۴ دادستان بوده و هم‌اکنون نیز با تأسیس مجدد دادسرا قاعدتاً باید این مقام دادستان باشد) برای درج پاسخ اخطار می‌کند و اگر این اخطار مؤثر واقع نشد پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد به دادگاه ارسال نماید.

ب - تبصره ماده ۳۱ نیز در مورد خاصی به رییس دادگاه (قبل از اصلاحیه سال ۱۳۷۹ دادستان) اجازه داده است که حکم توقیف نشریه متخلف را تا موقع صدور رأی دادگاه صادر نماید، تبصره مزبور مقرر می‌دارد: «در مورد مواد ۳۰ و ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است، نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد در صورت تخلف، رییس دادگاه باید قبل از ختم تحقیقات، حکم توقیف نشریه را صادر کند این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می‌شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می‌شود.»

ج - تبصره ماده ۱۲ قانون مطبوعات الحاقی سال ۱۳۷۹ نیز به هیأت نظارت بر مطبوعات اجازه داده است که در مورد برخی از تخلفات موضوع ماده ۶ و ماده ۷ قانون مزبور نشریه را توقیف نماید، در صورت توقیف، هیأت نظارت موظف است ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.

این مورد نیز از مواردی است که توقیف موقت اجازه داده شده ولی با تکلیف به ارسال پرونده ظرف یک هفته به دادگاه پیداست که قانون‌گذار نظرش این بوده که توقیف موقت و بدون حکم دادگاه زیاد طول نکشد و دادگاه رسیدگی و تعیین تکلیف نماید.

د - تبصره ۲ الحاقی سال ۱۳۷۹ به ماده ۵ قانون مطبوعات نیز به دادگاه اجازه داده است، نشریه متخلف از مصوبات شورای عالی امنیت ملی را موقتاً تا دو ماه توقیف نماید و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی کند.

مواردی هم در قانون مطبوعات از لغو پروانه یا جلوگیری از انتشار نشریه سخن به میان آمده که عندالاجتضاء با دستور اداری یا قضایی خواهد بود و فعلاً مورد بحث ما نیست.

از مجموع مقررات قانون مطبوعات چنین به نظر می‌رسد در موارد محدودی می‌توان

دستور توقیف موقت نشریه را صادر کرد که یا مدت آن معین است مانند ده روز یا دو ماه و یا اگر مدت تعیین شده مشخص هم وجود ندارد در وضعی است که زمینه برای رسیدگی به وضع نشریه در دادگاه فراهم است و در مدت کوتاهی دادگاه رسیدگی و تعیین تکلیف خواهد کرد.

مراجع مجاز به صدور دستور توقیف موقت نیز عبارتند از دادگاه، دادستان و هیأت نظارت بر مطبوعات.

نه از قانون مطبوعات و نه از مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد وظایف بازپرس در تحقیقات مقدماتی اختیار بازپرس در صدور دستور توقیف موقت نشریه‌ای آن هم بدون تعیین مدت فهمیده نمی‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد آنچه مدتی است در دستگاه قضایی رایج شده که مرجع تحقیق مقدماتی (اخیراً بازپرس) اقدام به صدور دستور توقیف نشریه بدون تعیین مدت می‌نماید با موازین قانونی انطباق ندارد و طولانی شدن مدت توقیف بدون تعیین تکلیف چنان‌که هم‌اکنون در مورد حدود ۵۰ نشریه وجود دارد، ضمن مغایرت با قانون مطبوعات به شرح گفته شده و نداشتن مجوز قانونی در سایر مقررات علاوه بر داشتن پیامدهای تضییع حقوق شغلی و حرفه‌ای عده‌ای از اصحاب مطبوعات، موجب محدود شدن ناموجه آزادی بیان و قلم می‌شود که با قانون اساسی ناسازگار است و لازم است برای این موضوع چاره‌اندیشی لازم صورت گیرد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

www.KetabFarsi.com

بخش هفتم

اقلیت‌ها

www.KetabFarsi.com

در مورد حقوق اقلیت‌های غیررسمی

بسمه تعالی

شماره ۷۷-۱۵۶

تاریخ ۱۳۷۷/۶/۱۴

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام:

به استحضار می‌رساند: یکی از معضلاتی که سال‌هاست جمهوری اسلامی ایران با آن روبه‌روست و تاکنون اقدام اساسی برای حل آن صورت نگرفته است مسأله برخورد با حقوق اجتماعی اقلیت‌های مذهبی خاصه اقلیت‌های غیررسمی و به ویژه فرقه ضالّه بهائیت است. در سال ۱۹۸۲، نخستین بار کمیسیون فرعی حقوق بشر که نام کامل آن: کمیسیون فرعی حمایت از اقلیت‌ها و جلوگیری از تبعیض علیه آن‌هاست عمدتاً در ارتباط با نوع برخورد با این فرقه قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرد و در پی آن در سال ۱۹۸۴ کمیسیون حقوق بشر مبادرت به صدور قطعنامه‌ای کرد که طی آن وضعیت حقوق بشر در ایران را تحت نظارت سازمان ملل قرار داد و نماینده ویژه‌ای نیز برای بررسی این وضعیت و دادن گزارش به کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل تعیین کرد که همچنان این وضعیت ادامه دارد. افراد فرقه مزبور علاوه بر توسل به مجامع بین‌المللی در داخل هم به مراجع مختلف از جمله کمیسیون حقوق بشر اسلامی شکایت نموده و اخیراً به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی شکایات متعددی ارسال می‌دارند و بعضاً با استناد به اظهارات حضرت‌عالی در خصوص جامعه مدنی و رعایت حقوق مدنی همه افراد و به خصوص اظهاراتتان مبنی بر این که در حکومت اسلامی حتی غیرمسلمان‌ها هم صاحب حق و کرامت هستند خواستار بذل توجه به حقوق اجتماعی خویش می‌شوند. آنان از اخراج خود از مشاغل اداری و انفصال و قطع حقوق بازنشستگی، ندادن پروانه اشتغال حتی در امور صنفی، منع ورود به دانشگاه‌ها، مشکلات مربوط به ثبت نام فرزندان‌شان در مدارس، دشواری‌های فراوان مربوط به دادن گذرنامه و اجازه سفر به خارج و امثال آن‌ها شاکی

هستند. احکامی نیز در دست دارند که به لحاظ وابستگی به این فرقه، تضییقاتی علیه آنها صورت گرفته و بعضاً به مصادره اموال و احياناً اعدام محکوم شده‌اند، تبیین موضوع و بیان مصادیق را اگر فرصت حضوری پیش آمد، ارایه خواهم کرد. این‌ها همه در حالی است که طبق اصل ۱۴ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به غیرمسلمانان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نماید و حقوق انسانی آنان را رعایت کند و حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه در پاسخ سؤالی که از سوی شورای عالی قضایی در مورد کفار اهل کتاب و غیر اهل کتاب از ایشان به عمل آمده بود فرمودند: «کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آنها جاری است و محقون‌الدم بوده و مالشان محترم است» بررسی همه جنبه‌های مقررات حقوقی و کیفری ناظر به این فرقه‌ها و پیدا کردن راه حل شرعی کار دشوار و صعب‌الوصول یا ممتنع‌الوصول است ولی می‌توان تمهیدی اندیشید که همه افراد ملت و اتباع ایران از جمله اقلیت‌های غیررسمی که به هر حال جزء افراد ملت محسوب می‌شوند و تکالیف و الزامات حکومت را گردن می‌نهند از حقوق اجتماعی مربوط به آحاد ملت و یا به تعبیری حقوق شهروندی برخوردار باشند و حداقل در مرحله اول مسایلی مانند گرفتن گذرنامه، خروج از کشور، تحصیل، اجازه اشتغال حداقل در مشاغل خصوصی و اموری نظیر آنها بدون توجه به هر نوع عقیده و مذهب در مورد همه حل شود مدت‌هاست این مسأله مطرح شده و گمان می‌کنم در برخی کمیته‌های شورای عالی امنیت ملی نیز مورد بحث قرار گرفته ولی هنوز نتیجه مطلوب به دست نیامده است از جناب عالی به خصوص با توجه به بیانات جالبی که در زمینه حقوق انسان‌ها به مناسبت‌هایی ایراد می‌فرمایید و طبعاً در جریان شرکت در اجلاس سال جاری مجمع عمومی سازمان ملل نیز بیان خواهید فرمود، انتظار اقدام عملی برای حل این معضل می‌رود، هدف از تصدیع، بیان کلی مطلب و طرح اصل موضوع بود، مطالب تفصیلی و مشروح‌تری در این زمینه وجود دارد که ترجیح می‌دهم شفاهاً توضیح بدهم.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۷-۷۰۸۹

تاریخ ۱۳۷۷/۶/۱۷

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دیر محترم شورای عالی امنیت ملی

با سلام

نامه شماره ۷۷-۱۵۶ مورخ ۷۷/۶/۱۴ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، موضوع مسایل مربوط به حقوق اجتماعی اقلیت‌های رسمی و غیررسمی مذهبی به ویژه فرقه ضاله بهائیت، که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر روحانی

نظر به اهمیت موضوع و لزوم حل اساسی آن لازم است سریعاً با حضور آقایان شوشتری و مهرپور و نمایندگان قوه قضایی و وزارتخانه‌های اطلاعات و کشور و چند صاحب نظر درد آشنا در دبیرخانه بررسی و نتیجه جهت تصمیم‌گیری به من یا شورای عالی امنیت ملی ارایه شود. منتظر اقدام هستم.»

سید محمدعلی ابطحی

از طرف محمدرضا تابش

رونوشت:

- حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی لاری

وزیر محترم کشور همراه با تصویر

- حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دری نجف‌آبادی

وزیر محترم اطلاعات همراه با تصویر

وظیفه دشوار نظارت بر اجرای قانون اساسی

۶۰۰

- حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای شوشتری

وزیر محترم دادگستری همراه با تصویر

- جناب آقای دکتر مهربور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

www.KetabFarsi.com

تعرض به جلسات درسی بهائیان

بسمه تعالی

شماره ۷۷-۳۰۰

تاریخ ۱۳۷۷/۸/۱۷

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

نامه‌ای که خطاب به حضرت عالی در خصوص مراجعه مأمورین به منازل و مراکز خصوصی درسی بهائیان و ضبط و توقیف وسایل آموزشی آنان نوشته شده است، ارسال می‌گردد.

چگونگی امر و مبنا و توجیه قانونی این اقدام جداگانه از وزارت اطلاعات و دادگاه انقلاب اسلامی تهران استعلام شده است که امیدواریم پاسخ لازم را بدهند، ولی به هر حال به نظر می‌رسد با توجه به سابقه امر در شورای عالی انقلاب فرهنگی و طرح موضوع در شورای عالی امنیت ملی که ریاست هر دو با حضرت عالی است مناسب است تکلیف چنین موضوعی از لحاظ فرهنگی و امنیتی در شوراهای مزبور تعیین شود و دستورالعمل روشنی برای مراجع ذی‌ربط ابلاغ شود از لحاظ قانون اساسی اگر اعمال آموزشی صورت گرفته از سوی این گروه که مدعی‌اند ده سال است ادامه داشته و علتش هم ممنوعیت آنان از دستیابی به آموزش عالی است، توطئه علیه نظام محسوب نشود، این‌گونه اقدامات با قانون اساسی مغایرت دارد و به هر حال تشخیص موضوعی این امر به لحاظ حساسیت امر در شأن شورای عالی امنیت ملی است که امید است با درایت و نگرش همه جانبه تصمیم روشن و قابل دفاعی اتخاذ نماید.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۷-۹۹۰۳

تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲۵

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی
دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی

با سلام

نامه شماره ۷۷-۳۰۰/م مورخ ۷۷/۸/۱۷ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمیمه آن، موضوع ضبط و توقیف وسایل آموزشی فرقه بهائیان، که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر روحانی

قرار شد مسأله به طور رسمی مورد بررسی و ارزیابی قرار

گیرد و هرچه زودتر نظر جامع به شورای عالی ارایه شود.

دستور پیگیری و تسریع را صادر فرمایید.»

سید محمد علی ابطحی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

در مورد ثبت واقعه ازدواج اقلیت‌های غیررسمی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۸۹۸

تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۴

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی لاری

وزیر محترم کشور

با سلام

احتراماً به اطلاع می‌رساند نظر به این که تاکنون شکواییه‌های متعددی در خصوص عدم ثبت واقعه ازدواج معتقدین به فرقه‌ای که جزء ادیان رسمی کشور نیستند، به دبیرخانه هیأت واصل شده است و ادارات ثبت احوال مستنداً به بخشنامه شماره ۴۲/۱۱۳۴ مورخ ۵۷/۱۲/۱۵ ثبت احوال (تصویر پیوست) از ثبت این ازدواج‌ها امتناع می‌ورزند و این در حالی است که اولاً رعایت حقوق انسانی تمام شهروندان به استناد اصل ۱۴ قانون اساسی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب شده و برخورداری از حقوق انسانی و اجتماعی را قانون اساسی طی اصل بیستم حق همه افراد ملت دانسته است و ثانیاً ثبت واقعه ازدواج برای نظم عمومی امری بدیهی بوده و از آثار سوء اجتماعی عدم ثبت جلوگیری می‌نماید و مهم‌تر از همه این که در فقه اسلام ازدواج تمام فرق (اعم از اهل کتاب و غیراهل کتاب) پذیرفته شده، لذا خواهشمند است با لحاظ مراتب فوق دستور فرمایید در خصوص حل معضل یاد شده و عندالاقضاء لغو بخشنامه مذکور تمهیدات لازم و شایسته اتخاذ و نتیجه را به این هیأت اعلام نمایند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۱۲۳۲

تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۴

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام و آرزوی توفیق و قبول طاعات

همان طور که مستحضرید یکی از مسایل و مشکلاتی که پیروان ادیان غیررسمی با آن روبه‌رو هستند عدم ثبت ازدواج در دفتر اسناد رسمی و شناسنامه است و شکایات متعددی در این زمینه به هیأت می‌رسد با بررسی موضوع مشخص شد عدم ثبت واقعه ازدواج منتسب به بخشنامه صادره از رییس سازمان ثبت احوال کشور در اسفندماه ۱۳۵۷ است که به ادارات ثبت احوال اعلام نموده قید مذهب (اسلام، کلیمی، مسیحی، زرتشتی) در اقرارنامه‌های تنظیمی برای ثبت ازدواج ضروری است و ثبت ازدواج بدون قید مذهب ممنوع اعلام شده است سازمان ثبت احوال بر اجرای این بخشنامه پای می‌فشارد و آن را منبعت از اصل ۱۳ قانون اساسی و قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه و نیز مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۹ می‌داند، (تصویر بخشنامه و نامه سازمان ثبت احوال پیوست است) در حالی که به نظر هیأت ترتیب اثر ندادن به ازدواج فرقی غیراسلامی ولو غیر رسمی و به رسمیت نشناختن آن مغایر اصل ۱۴ قانون اساسی و حتی موازین شرعی می‌باشد و مراتب طی نامه‌ای خدمت آقای وزیر کشور اعلام شده که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد؛ از اصل ۱۳ قانون اساسی که اقلیت‌های دینی رسمی را بیان می‌کند و مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (که جا دارد دستور فرمایید تأمل مجددی روی آن بشود) نیز عدم ثبت ازدواج گروه‌های غیررسمی و به رسمیت نشناختن آن فهمیده نمی‌شود (تصویر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز احتیاطاً پیوست ارسال می‌گردد) چنانچه حضرت عالی با نظر هیأت موافق هستید، دستور فرمایید از طریق معاونت حقوقی

ریاست جمهوری و وزارت کشور، نسبت به حل مشکل و اصلاح بخشنامه صادره اقدام لازم صورت گیرد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمہ تعالیٰ

شماره ۷۸-۸۹۸۸

تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۹

حجۃ الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی لاری
وزیر محترم کشور

حجۃ الاسلام والمسلمین جناب آقای صدوقی
معاون محترم رییس جمهور در امور حقوقی و مجلس

با سلام

نامه شماره ۱۲۳۲-۷۸/م مورخ ۷۸/۱۰/۴ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمایم آن در خصوص عدم ثبت ازدواج پیروان ادیان غیر رسمی در دفتر اسناد رسمی و شناسنامه، که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«آقایان محترم صدوقی و موسوی لاری جداً مشکل را حل و

نتیجه را اعلام کنید.»

سید محمد علی ابطحی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۹۷۱۱

تاریخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۶

برادر گرامی جناب آقای انصاری

معاونت محترم وزیر کشور و رییس سازمان ثبت احوال کشور

ضمن ایفاد تصویرنامه شماره ۷۸-۸۹۸۸/م مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۹ دفتر رییس‌جمهور محترم منضم به نامه شماره ۷۸-۱۲۳۲/م مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۴ هیأت محترم پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمایم آن در خصوص اصلاح بخشنامه مربوط به قید مذهب برای ثبت ازدواج، مقتضی است با توجه به اصول سیزدهم و چهاردهم قانون اساسی، بخشنامه شماره ۱۱-۴۴۶۲/م ن مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۳ دولت و مصوبه جلسه ۲۳۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی که به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسیده است، نسبت به موضوع رسیدگی و نتیجه را اعلام نمایند.

سعید تقدیسیان

قائم مقام معاونت حقوقی و امور مجلس رییس‌جمهور

رونوشت:

- دفتر رییس‌جمهور محترم بازگشت به نامه شماره ۷۸-۸۹۸۸/م مورخ ۷۸/۱۰/۹
- حجة الاسلام جناب آقای موسوی لاری وزیر محترم کشور
- دبیرخانه هیأت محترم پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی
- دفتر معاونت حقوقی و امور مجلس رییس‌جمهور
- اداره کل حقوقی - آرشیو نظرات - ۲۴۵۹۶ - ۲۴۵۵۸ - ۲۴۱۷۸

بسمه تعالی

شماره ۴۳/۲۰۵۰۰

تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۲

استانداری های سراسر کشور

معاونین محترم سیاسی امنیتی

سلام علیکم،

به پیوست تصویر بخشنامه های صادره از سوی سازمان های ثبت اسناد و ثبت احوال کشور مبنی بر لغو بند ۴۱ بخشنامه های ثبتی در خصوص لزوم درج دیانت زوجین در اقرارنامه های ثبتی ازدواج ارسال می گردد. بر اساس بخشنامه های فوق ثبت ازدواج زوجین اعم از فرق غیراسلامی و ادیان غیررسمی بدون قید مذهب آنان در اقرارنامه های ثبتی ازدواج بلامانع می باشد. لذا خواهشمند است در این خصوص دستور اقدام مقتضی صادر فرمایید.

محمدجواد حق شناس
مشاور وزیر و مدیر کل سیاسی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مهرپور رییس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی جهت استحضار ضمن تشکر از اقدامات معموله در خصوص هر چه فراگیرتر نمودن رعایت حقوق شهروندان ایرانی.

- جناب آقای تاجزاده معاون محترم سیاسی اجتماعی جهت استحضار.

- جناب آقای محقر معاون محترم حقوقی و امور مجلس جهت استحضار.

- جناب آقای انصاری لاری معاون وزیر کشور و رییس سازمان ثبت احوال جهت استحضار.

- دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی جناب آقای موسویان جهت استحضار.

- وزارت امور خارجه - مدیر کل محترم امور اجتماعی بین المللی به منظور اطلاع و هر گونه اقدام لازم.

- وزارت امور خارجه - مدير كل محترم امور سياسى بين الملى به منظور اطلاع و در صورت لزوم انعكاس به مراجع بين الملى ذي ربط در مسایل حقوق بشر به طريق مقتضى.
- وزارت امور خارجه - مدير كل محترم كنسولى.
- اداره چهارم جهت درج در سوابق.